[پیام زن](http://www.hawzah.net/fa/magazine/numberlist/3992)، [بهمن 1387 - شماره 203](http://www.hawzah.net/fa/magazine/magart/3992/6701/0)

**نقش آفرینی های بانوان در عرصه تبلیغ دین(8)**

**فعالیت بانوان متعهد در روزگار امام علی(ع) و نبرد صفین**

**سید عباس رضوی**

|  |
| --- |
| جنگ صفین دومین و بزرگترین نبرد داخلی بود که پس از پایان جنگ جمل بر نظام نوپای امیرمؤمنان تحمیل شد. این نبرد در سرزمین صفین واقع بین عراق و سوریه کنونی، میان سپاه معاویه و یاران علی(ع) رویداد.  آتش افروز جنگ معاویه بود که از سر قدرت طلبی، به بهانه خونخواهی عثمان، سر از بیعت خلیفه مسلمانان برتافت و به ناحق خون هزاران نفر (بین 70 تا 110 هزار) مسلمان در راه هدف های پلید او به زمین ریخته شد. او از روزگار خلیفه دوم والی شام بود. وی زیرکانه در راه نهادینه کردن سلطنت خاندان خود می کوشید و با تبلیغات گسترده و نیرنگ های ویژه عشایر اردن و فلسطین و شام را با خود همراه کرد.  از شگفت های روزگار آنکه در وقت محاصره خانه عثمان توسط مردم مدینه عمرو عاص (وزیر و مشاور معاویه) مردم را بر خلیفه می شوراند و آشکارا از سیاست های وی انتقاد می کرد و در همه سو نفرت از خلیفه می پراکند. در همان حال که علی(ع) تلاش داشت از پیش آمدهای ناگوار و غیرعادلانه جلوگیری کند و در محاصره خانواده عثمان برایشان آب و غذا فرستاد و در این راه، فرزند و غلامش قنبر زخمی شدند، معاویه، در پاسخ دادخواهی خلیفه، وقت را به مماطله و سستی گذراند و به ادعای خودش مخالفت با صحابه پیامبر را خوش نمی داشت.  با این همه، پس از مرگ خلیفه و بیعت همه مهاجرین و انصار با امام علی، معاویه به جای اطاعت و بیعت با امام زمان خود، خودمختاری پیشه کرد و پرچم خونخواهی خلیفه برافراشت و سپاهی گران برای مبارزه با امام علی به صحرای صفین گسیل داشت.  امام نیز، همراه مهاجرین و انصار و یاران عراقی و یمانی خود، برای مقابله با خودسری های شامیان به صفین رفت. این درگیری در ذیحجه 36، با پیش دستی معاویه و اشغال گذرگاههای آب آغاز شد. و در صفر 37 به پایان آمد.  افزون بر فعالیت های تبلیغی و رزمی مردان در دفاع از امیرمومنان، بانوان فرزانه و متعهد بسیاری نیز در این راه نقش آفرینی کردند.  زنان فداکار، افزون بر آماده کردن زمینه شرکت وابستگان خود در این جهاد مقدس و دفاع از نظام اسلامی، با روشنگری های بجا و مناسب، جایگاه دینی امامت و وصایت علی(ع) را برای زنان و مردان روشن می ساختند و با یادآوری سوابق درخشان امام در صدر اسلام و نیز با نشان دادن کارنامه سیاه امویان در مبارزه با پیامبر، از وارونه گری های مبلغان اموی پاسخ می گفتند. معاویه از همان آغاز خلافت علی تبلیغات گسترده ای را به سود خود در شام و حجاز و عراق شروع کرد. افراد دین فروشی مانند عمروبن ثابت، ابوبرده، اسود ابن یزید و ... را بکار گرفت و با پخش شایعات و تحریف تاریخ و جعل حدیث در جهت دادن به افکار عمومی به سود خود کوشش ها کرد.  پیامدهای ناگوار جنگ جمل از کشته شدن مردان و یتیم شدن کودکان زمینه های روانی و عاطفی مناسبی برای معاویه ایجاد کرده بود که از آن در جهت شعله ور کردن کینه های قومی علیه امام بهره گیرد؛ چه شورش جمل از سوی فتنه گران پیمان شکن آغاز شد و علی(ع) جز دفاع از نظام اسلامی و کمک به کارگزاران ستمدیده خود در بصره کاری انجام نداد و جنگ را مخالفان او برافروختند ولی همه مردم به ویژه زنان نمی توانستند درک کنند که علی چاره ای جز این نداشت و از سر خشم و شهوت و انتقام دست به شمشیر نبرد و این همسران و برادران و فرزندان آنها بودند که او را از حجاز به عراق کشاندند. چنین است که وقتی علی(ع) پس از پایان جنگ بصره برای دلجویی به خانه عبدالله بن خلف خزاعی، رفت، صفیه، بانوی خانه، دختر حارث عامری رودر روی او ایستاد و زبان به دشنام گشود و گفت: ای علی، ای کشنده دوستان و پریشان کننده جماعت ... .  مسلماً تنها این زن نبود و بانوان ساده لوح و بی خبر و فریب خورده دیگری نیز بودند که می پنداشتند که در این ماجراها حق با مخالفان علی است.  درآمد فراوان سرزمین شامات و وجود نیرنگ بازانی چون عمروعاص و مغیره ابن شعبه راه را بر معاویه برای حق ستیزی هموار می کرد.  کانون تبلیغات بانوان هوشمند و زبان آور اردوگاه امام بر این متمرکز بود تا به زنان و مردان به ویژه غیر صحابیان و افراد دور از مدینه و پیامبر ندیده روشن سازند که امام علی، وصی و جانشین پیامبر است. او، نخستین مسلمان و از نوجوانی در خدمت اسلام بوده است و معاویه که دعوی حق طلبی دارد دروغ می گوید. او هم پیمانانشان بارها با پیامبر جنگیده اند.  و مبارزه وی با علی(ع) نه برای خونخواهی خلیفه مقتول که انفجار عقده های شکست در بدر واحد و خندق است.  آگاهی بخشی های بانوان فرزانه و هوشیار، در جدا کردن صف های حق و باطل و شناساندن جایگاه امام به مردم مؤثر بود. چه آگاهی زنان نقش سازنده ای در جهت گیری های مردان رزم آور ایفا می کرد به ویژه آنکه بخش بزرگی از بانوان در کنار همسران خود به سوی میدان های نبرد کوچ می کردند و از نزدیک شاهد ماجراها بودند.  **دیدگاه ام المؤمنین میمونه درباره نبرد صفین**  میمونه، همسر پیامبر اکرم(ص) از هواداران امام علی بود. وی، حضرت را ولیّ امر مسلمانان می شمرد.  امام باقر(ع) فرموده اند: «قال النبی(ص):  لاینجو من النار و شده نفیضها و زفیرها و حمیمها من عادی علیا و ترک ولایته واجب من عاداه.  فقالت میمونه: ما اعرف فی اصحابک من یحبّ علیا (ع) الا قلیلا. فقال النبی(ص): القلیل من المؤمنین کثیر و من تعرفین منهم؟  قالت: ابوذر و سلمان و قد تعلم انی احبّ علیا(ع) بحبّک ایاه. فقال: صدقتَ انّک امتحن الله قلبک للایمان.  پیامبر اکرم (ص) فرمود: از آتش دوزخ و شدت خشم و نفس و حرارت آن کسی که با علی دشمنی ورزد و ولایت و امامت او را نپذیرد و دشمن او را دوست بدارد، نجات پیدا نخواهد کرد.  میمونه گفت: در میان یارانت کسی که دوست علی باشد نمی شناسم جز عدّه اندک.  پیامبر فرمود: عده اندک از مؤمنان بسیارند چه کسانی از دوستان علی را می شناسی؟  گفت: ابوذر و سلمان و به تحقیق میدانی که چون تو علی را دوست می داری من او را دوست دارم.  پیامبر فرمود: راست گفتی، خداوند قلب تو را برای ایمان امتحان کرده است.»  میمونه، علی را مشعل هدایت و پرچم دار حقیقت می شمرد و به مردم سفارش می کرد در دو راهی های فکری و فتنه ها از علی جدا نشوند و او را یاری کنند. او، در جریان نبرد صفین مسلمانان را به یاری علی تشویق می کرد. حاکم نیشابوری به سند صحیح از ابی اسحق (سبیعی) از جری بن کُلیب عامری نقل کرده: چون علی به طرف صفین حرکت کرد من چون از این جنگ ناخوشنود بودم به مدینه آمدم و به سرای میمونه بنت حارث [ام المؤمنین] رفتم. پرسید از کجایی؟ گفتم: اهل کوفه. گفت: از کدام تیره. گفتم: از بنی عامر. میمونه پرسید: مرحبا و مرحبا ... .  به من پاسخ ده برای چه (این راه را) آمده ای؟  گفتم: علی به سوی صفین حرکت کرده و من ناخوش داشتم در جنگ شرکت کنم.  از این روبه مدینه آمدیم.  میمونه پرسید. آیا با علی بیعت کرده ای؟ گفتم: آری.  گفت: برگرد به سوی علی و با او باش. به خدا سوگند. علی نه گمراه شده و نه کسی به وسیله او گمراه گشته است.  **روشنگری های زنان در نبرد صفین**  ام الخیر. دختر حرش بن سُراقه از زنان آگاه و فرزانه و از موالیان علی(ع) بود. وی، که نسبت به قرآن و سنت و تاریخ اسلام، آگاهی های گسترده ای داشت، در جریان رویداد صفین نقش آفرینی ها کرد. او با برهان های استوار دینی و شواهد عینی، افراد را به تفکر و واقع بینی دعوت می کرد و با نشان دادن حقانیت راه امام علی و انحراف امویان، مردم را به جانبداری از امام علی برمی انگیخت.  آن شیرزن که ترس و تردید در قاموس وجودش جایی نداشت، در تبلیغات خود در دفاع از امیرمؤمنان نکته هایی تأکید می کرد. از جمله:  1ـ معرفی امام علی(ع) به عنوان وصی و جانشین پیامبر.  2ـ اثبات شایستگی ها و نشان دادن جایگاه برتر امام علی بر همه صحابه در علم و دانش و مکارم اخلاق.  3ـ شرح سوابق جهادی امام علی در دفاع از اسلام و بیان مبارزات امام در غزوه های بدر، احد، خَندق و حنین.  4ـ نمایاندن کارنامه سیاه حزب اموی در مبارزه با اسلام وپیامبر و اثبات این نکته که معاویه به دروغ ادعای اسلام می کند و پسر هند از سر نفاق، کفر خود را پنهان ساخته و جنگ وی با خلیفه مسلمانان روی دیگری از جنگ بدر و احد است و اینان همان مشرکان دیروزند که لباس اسلام پوشیده اند.  5 ـ دعوت به جهاد آگاهانه و از سر بصیرت و یاری امام علی(ع).  6ـ تأکید بر وحدت و اتحاد اسلامی.  جناح امویان درصدد بود افزون بر تظاهر به اسلام و به خدمت درآوردن ابزارهای مذهبی برای رسیدن به آرزوهای خود، از قومیت عربی و قبائلی نیز استفاده کند. در این راستا، مبلغان و شاعران شام، افتخارات جاهلی و کینه های قومی و عشایری را زنده می ساختند و با زدن رنگ قحطانی و عدنانی و مسئله عراق و شام و...،  احساسات قومی مردم را تحریک کرده و آنان را به جبهه های جنگ می کشانیدند. شعر جاهلی که متضمن حماسه های قومی و مفاخر قبیله ای و ستایش خویشاوندان و نکوهش دشمنان بود، در سطح گسترده ای رونق گرفت و کسانی مانند کعب بن جعیل شاعر اموی چنین می سرودند:  آری الشام تکره ملک العراق  و اهل العراق لهم کارهونا  و قالوا علّی امامٌ لنا  فقلنا رفینا ابن هند رفینا  می بینم شام عراقیان را ناخوش می دارد و عراقیان شامیان را. عراقیان گفتند علی امام ما است ما گفتم ما به پسر هند خشنودیم.  این گرایش جاهلی در میان شاعران عراقی نیز رخنه کرده بود. ام الخیر به این خَطر توجه داشت. از این رو در تبلیغات خود در حوزه جبهه و جنگ، بر مبانی دینی نزاع میان مسلمانان، انگشت  می گذاشت و از پراکندن بذرهای نفرت قومی و عشیره ای پرهیز داشت. او نیروهای مقابل جناح خود را نیز مسلمانانی می شمرد گمراه و راه گم کرده که پسر هند آنان را از گرایش به حقیقت بازداشته است.  آن شیرزن، به روش امام علی(ع)، در میان خطبه با خدا نیایش می کرد و از او می خواست میان مسلمانان الفت برقرار کند تا خون ها به ناحق نریزد و پارسایی جانشین خودخواهی و نژادپرستی ها نگردد، تا میان مردم تفاهم برقرار شده و حق به جایگاه اصلی خود برگردد.  گوشه هایی از سخنان شورانگیز ام الخیر در جمع رزمندگان سپاه امام علی در صفین را یادآور می شویم.  ام الخیر بُرد زُبیدی درشتی بر تن داشت، بر شتر خاکستری رنگی سوار و سواران دورش را گرفته بودند:  در دستش شلاقی بود که موهای آن منتشر شده بود. او فریاد برمی آورد و چنین می گفت:  ای مردم تقوای پروردگارتان را پیشه کنید. همانان زلزله روز قیامت بسیار بزرگ است. همانا خداوند حق را برای شما روشن ساخته و دلیل و برهان را آشکار نموده و راه حقیقت را هموار نموده است پرچم حق را برافراشته و شما را درکوره راه فتنه و سیاهی های گمراهی رها ننموده است.  خدایتان رحمت کناد. چه خواهید کرد. آیا از امیرمؤمنان علی(ع) فرار می کنید یا از جنگ می گریزید یا از اسلام روی گردانیده اید و یا از حق برگشته و مرتد شده اید. آیا سخن خداوند را شنیده اید که فرموده:  «لنبلونّکم حتی نعلم المجاهدین منکم و الصابرین و نبلوا اخبارکم»؛ البته شما را می آزماییم تا مجاهدان و شکیبایان شما را بازشناسانیم و گزارش های ـ مربوط به - شما را رسیدگی کنیم.»  ام الخیر، سپس سرش را به آسمان بلند کرد و گفت:  خداوند صبر و استقامت کاهش یافته و یقین به سستی گرائیده و ترس و رعب فراگیر شده. خداوندا رشته دل ها به دست تو است. خداوندا دل ها را بر محور تقوا گردآور و میان دل ها الفت برقرار ساز و حق را به جایگاهش برگردان.  پس رو به جمعیت کرد و گفت: خداوند شما را رحمت کند. به سوی امام عادل علی بن ابی طالب بیایید؛ شخصیت تقواپیشه و مورد رضایت خداوند و وصی شایسته و راستگوی بزرگ.  این دشمنی شامیان با او بازتاب کینه های جنگ بدر و عقده های دوران جاهلیت و کینه های اُحد است که روی هم انباشته و اینکه سر برآورده است تا انتقام فرزندان عبدالشمس را [از بنی هاشم و  فرزندان پیامبر] بازستانند. او سپس با قرائت کریمه «فقاتلوا ائمه الکفر انهم لا ایمانَ لهم لعلّهم ینتهون»؛ پس با پیشوایان کفر بجنگید، چرا که آنان را هیچ پیمانی نیست، باشد که از پیمان شکنی باز ایستند. ادامه داد:  ای گروه مهاجرین و انصار صبر پیشه کنید و از سر بصیرت در راه پروردگارتان بجنگید و در راه دین تان استقامت کنید. گویا فردای نبرد شما با شامیان را می نگرم که شامیان مانند گورخر رمیده از شیر، فرار خواهند کرد و نمی دانند به کدامین گریزگاه پناه برند.  آنان آخرت را به دنیا، ضلالت را به هدایت و بصیرت را به کوری معامله کردند و به زودی پشیمان خواهند شد؛ آن هم در هنگامه ای که ندامت سودی برایشان  در بر نخواهد داشت و گریزگاهی به جای نمی ماند.  به خدا سوگند، کسی که از راه حق گمراه شد در باطل فرو افتد و هرکس به بهشت نرود به دوزخ خواهد رفت.  آگاه باشید، دوستان خدا، عمر دنیا را کوتاه شمرده و آن را دور افکندند.  دل به آخرت بستند و به سوی آن شتافتند.  ای مردم، خدا را خدا را (در یاری حق و امام علی) پیش از آنکه حق ها ضایع گردد و حدود خدا تعطیل گردد و ستمکاران پیروز شوند و سخن شیطان استوار گردد. خدایتان رحمت کند. چه می خواهید و چه نظر دارید درباره پسر  عموی پیامبر خدا و داماد او و پدر دو سبط و نواده او [حسن و حسین] سرشت او [علی(ع)] از سرشت پیامبر است و از همان اصل و شجره رُسته است. پیامبر او را محرم اسرار خود گردانیده و او را دروازه مخزن دانش خود قرار داده و به مسلمانان اعلان کرد او را دوست می دارد و بُغض او را نشانه شناخت منافقین از مؤمنین قرار داد؛ آن علی است که شکافنده سرها و شکننده بت ها است. او اولین مؤمن به پیامبر بود. در روزگاری که مردم مشرک بودند و خدا را اطاعت کرد در وقتی که مردم رویگردان بودند. علی بر این روش بود تا جنگندگان [مشرک] بدر را به قتل رساند و سردمداران جنگ احد را نابود ساخت و احزابی که در نبرد خندق علیه پیامبر همراشان شده بودند را پراکنده ساخت و خداوند به دست او (یهودیان) خیبر را از میان برد و هوازن را متفرق ساخت. این ماجراها در دل های عده ای تخم نفاق و ارتداد و اسلام ستیزی کاشت ولی بر ایمان مؤمنین افزود:  **ام سلمه، و نبرد صفین**  ام المومنین، ام سلمه، همچنان که در نبرد جمل از علی(ع) جانبداری می کرد و مردم را از مخالفت او باز می داشت، در جنگ صفین نیز در کنار حضرت امیر بود و با نقل احادیث پیامبر به مردم آگاهی می بخشید و راه را از بیراهه می نمایاند. همسر پیامبر، به مردم می گفت، که پیامبر خدا مردم را در حیرت و ضلالت رها ننموده و در فتنه ها و دوراهی های سیاسی و اجتماعی راه حق را از باطل نشان داده و فرموده است: هرجا بر سر دین اختلاف گردید راه علی بروید که راه او، راه قرآن است و علی از قرآن جدا نخواهند شد و نیز پیامبر او را به ولایت و جانشینی پس از خود منصوب فرموده است و علی را خلیل و دوست خود خوانده و اسرار دانش و کلید علوم و رازهای خود را به او سپرده است.  ام سلمه درباره علی(ع) از پیامبر روایت می کرد:  «یا علی: ما من عبد لقی اللّه یوم یلقاه جاحداً لولایتک الّا لقی اللّه لعبادة صنم او وتن؛ ای علی هرکس از منکرین ولایت و امامت تو در قیامت خدا را دیدار کند بت پرست محشور شده است.  ام سلمه مکرراً از پیامبر روایت می کرد:  از پیامبر خدا شنیدم. می فرمود: عمار را گروه یاغی و متجاوز می کشند.  همچنین گزارش کرد:  چون پیامبر خدا(ص) مسجدش را در مدینه بنا کرد. سفارش کرد که خشت و دیگر لوازم مورد احتیاج بسازند. سپس پیامبر عباء از دوش افکند و مشغول کار شد و مهاجرین و انصار چون پیامبر را در حال کار دیدند رجزخوانان کار می کردند. عثمان بن عنان، پس از برداشتن هر خشت لباس خود را می تکاند. علی(ع) شعری را با این مطلع خواند:  لایستوی من یعمر المساجد الله و من یری عن التراب حائدا. عمار این شعر را حفظ کرد و با صدای بلند تکرار نمود. عثمان این سروده را کنایه به خود پنداشت و به عمار خرده گرفت. او، با چوبی که در دست داشت رو به عمار آورد و گفت: یا به این سروده پایان می دهی و یا با چوب صورتت را خواهم شکست. پیامبر خدا در سایه دیواری نشسته بود و تهدید عثمان را شنید و فرمود: عمار پوست میان چشم و بینی من است.  عمار رو به پیامبر آورد و گفت: یا رسول اللّه ، اصحاب تو به من چه کار دارند. پیامبر فرمود: تو به آنان چه کار داری؟ عمار گفت: آنان می خواهند مرا بکشند. خود یک خشت بر می دارند و بر من دو خشت می نهند. پیامبر دست عمار را گرفت و او را در مسجد گرداند و خاک از صورت او سترد و فرمود:  ای پسر سمیه اصحاب من ترا نخواهند کشت، ترا گروهی یاغی و متجاوز خواهند کشت.  ام سلمه با نقل این حدیث و انتشار آن در میان مردم به مسلمانان می فهماند: گروه علی بر حق و گروه معاویه یاغی و خارج بر امام زمان خود هستند.  **ام سنان و نصرت خاندان پیامبر(ص)**  امام سنان دختر خیثمه، از بانوان هوشمند، شاعر و زبان آور اردوگاه امیرمؤمنان بود. وی در کارزار صفین حضور داشت و با نیروی پایان ناپذیر و سرشار خود هماره برای خدمت به امام خود در تکاپو بود. ایمان سرشارش به هدف و امید به پیروزی به وی اعتماد به نفس و قدرت سخن گفتن می داد. ام سنان، وظایف دینی و سیاسی مردم را برایشان بیان می کرد و جاذبه های مکتب اهل بیت و امام علی را برایشان برمی شمرد و رزمندگان وابسته به خود را برای مبارزه با امویان بسیج می کرد.  ام سنان، در سخن و سروده های حماسی خود، به جای برانگیختن کینه های قومی و جاهلی و اختلافات عدنانی و قحطانی، بر مبانی دینی جنگ و جهاد تکیه می کرد. او جانبداری از علی(ع) را نه به عنوان رهبر عراقیان و یمانیان بلکه به عنوان وصیّ پیامبر واجب می شمرد و آل احمد و اهل بیت را به عنوان مرجع دینی و سیاسی جامعه معرفی می کرد.  ام سنان، با این روشنگری ها به نبرد صفین رنگ جهاد مقدس و مبارزه اسلام و کفر می داد. او بر تن کشته شدگان سپاه امام لباس شهادت می پوشاند و بدین سان بود که سپاهیان در وقت نبرد برای میدان رفتن بر یکدیگر سبقت می گرفتند. برخی از سروده های ام سنان برای رزمندگان صفین چنین است:  چشم ها رمیدند و دیدگان من همچنان بیدارند.  و شب آوردگاه غصّه ها و اوهام است.  ای آل مذحج در جای بایستید و آماده باشید.  که دشمن، خاندان پیامبر را هدف گرفته است.  این علی است که مانند ماه، ستارگان او را در وسط آسمان در میان گرفته اند.  بهترین آفریده ما و پسر عموی محمد،  اثر از نور او بهره گیرید هدایت خواهید شد.  او در همه نبردها پیروز است و مظفر است.  و پیروزی از بالای پرچم او دور نمی شود.  ام سنان پس از شهادت امام علی(ع) در مسجد کوفه، سروده های نغزی در ستایش امام سرود و به مسلمانان یادآور شد، اگر علی(ع) از دنیا رفته است، راه و یاد علی(ع) هموار است و مردم باید راه جانشین و وصی پیامبر را از یاد نبرند:  اگر ابالحسین از دنیا رفت، او همچنان به حقیقت هدایتگر و روشن کننده راه است. مادامی که بر شاخه ها کبوتران بخوانند درود پروردگار بر تو باد.  تو پس از پیامبر جانشین او بودی  و پیامبر وصیت ما را به تو نمود و تو بدان وفادار بودی.  **پی نوشتها: ــــــــــــــــــــــــــ**  1-فی رحاب ائمه اهل البیت، علامه سید محسن امین، ج2، ص66، دارالتعارف.  2- العقد الفرید، ابن عبد ربّه ج1، ص14، 15دارالکتب العلمیه، ط اول: 1404، بیروت.  3- صلح امام حسن، شیخ راضی آل یس، ترجمه سیدعلی خامنهای، ص122، مؤسسه انتشارات آسیا.  4- الغارات، ابوهلال ثقفی، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ص209، 211. وزارت ارشاد، الکامل فی التاریخ ج3، ص310.  5-تاریخ طبری، ج3، ص543، حواث سال 36؛ مطبعه الاستقامه، قاهره، ص1357 ق. ، قیام امام حسین، دکتر سیدجعفر شهیدی، ص41، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.  6-المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری ج3، ص141.  7- تاریخ تحلیلی اسلام، دکتر شهیدی، ص235، جهاد دانشگاهی.  8- اشاره به آیه اول سوره حج.  9- سوره محمد، آیه 31.  10-اشاره به روایت امام حسین از جدش پیامبر(ص): یا علی انت الفاروق الاعظم و انت الصدیق الاکبر. بحار ج38، ص111.  11- سوره توبه، آیه 12.  12- اشاره است به حدیث: لحمک من لحمی و دمک عن دم. مصباح الزائر، سید بن طاووس، ص448، موسسه آل البیت.  13-اشاره است به حدیث نبوی: «انا و علی من شجرة و احده و سایر الناس من شجر شتی». مصباح الزائر، ص448.  14- اشاره است به حدیث نبوی: انا مدینة العلم و علی بابها؛ مستدرک حاکم، ج3، ص126، 127، اسد الغابه، ج4، ص22؛ تاریخ الخلفا، سیوطی، ص170؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج7، ص219.  15- اشاره است به حدیث نبوی لولا انت یا علی لم یعرف المؤمنون بعدی. مصباح الزائر، ص448. و حدیث: علی باب علمی و مبین من بعد لامتی ما ارسلت به حبه ایمان و بغضه نفاق؛ فتح الملک العلی، ص17 و 47. ط حیدریه، الغدیر، ج3، ص96.  16- اشاره به خطبه علی: والله لانا اوّل من صدّقه، نهج البلاغه، خ37، و انا اوّل من آمن به، خ 71.  17-عقد الفرید، ج1، ص356، اعیان الشیعه. علامه سیدمحسن امین، ج3، ص477. دوره 10 جلدی. دارالتعارف.  18-المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص124.  19- المراجعات، سید شرف الدین عاملی، با تحقیق حسین الراضی، ص291.  بغداد 1399، الامالی، صدوق، ص228.  20- سفینة البحار، شیخ عباس قمی، ج،2 ص643، ط قدیم.  21- العقد الفرید، ج5، ص89.  22 ـ همان، ص90.  23-العقد الفرید، ج1، ص350. |